

تمرکززدایی مالی و ارتقای سرمایه انسانی

علی یونسی^۱، محمد رضا گودرزی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

چکیده

در ادبیات اقتصاد کلان، ارتقای سرمایه انسانی آن قدر مهم است که اگر رشد اقتصادی رخ دهد و این رشد نتواند وضعیت سرمایه انسانی را بهبود ببخشد، گویا تلاش‌ها بی‌نتیجه بوده است. سرمایه انسانی از طریق شاخص HDI اندازه‌گیری می‌شود و باتوجه به ضرورت ارتقای آن مطالعات بسیاری در این زمینه انجام شده است. سرمایه انسانی هر کشوری، برآیند وضعیت سرمایه انسانی در استان‌های کشور است. عرضه خدمات مطلوب‌تر به سرمایه انسانی سبب ارتقای این سرمایه عظیم می‌شود و دستیابی به آن نیازمند بودجه و اختیارات کافی در استان‌ها است. گستردگی کشور ممکن است به دولت اجازه تخصیص بهینه منابع را ندهد؛ لذا به‌طور معول مقامات محلی از راه پیگیری‌های گوناگون و چانه‌زنی، کوشش می‌کنند اختیارات بیشتری برای رشد سرمایه انسانی داشته باشند. آنچه سبب افزایش اختیارات استانداران می‌شود تمرکززدایی مالی است. تمرکززدایی مالی، فرایندی است چندبعدی که در آن برخی اختیارات دولت مرکزی به استانداران واگذار می‌شود و مهم‌ترین شئون آن برگشت تمام درآمدهای هر استان به همان استان و ارسال کمک‌های بلاعوض به استان‌ها از طریق دولت مرکزی است. این مطالعه به‌منظور تعیین تأثیر تمرکززدایی مالی بر توسعه انسانی در استان‌های ایران انجام شده است که در آن از هر استان سه شهرستان و شهر به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. روش پژوهش داده‌های تابلویی (پنل دیتا) است. در این روش داده‌ها ویژگی‌های سری زمانی و مقطعی دارد، از چند بعد تشکیل شده و چند دوره را پوشش می‌دهد. دوره زمانی پژوهش ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ است. معادلات مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش از الگوی سویانتو (۲۰۰۹)، لنگودی (۲۰۰۶) و خوسینی (۲۰۰۶) اقتباس شده است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش تمرکززدایی مالی و برگشت درآمدهای هر استان به همان استان و حتی کمک‌های بلاعوض دولت مرکزی، بر میزان مخارج عمومی، رشد اقتصادی، کاهش جمعیت افراد کم‌درآمد و سرانجام بهبود شاخص سرمایه انسانی استان‌ها تأثیر مثبت قابل توجهی دارد.

واژگان کلیدی: تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی، شاخص HDI.

مقدمه

توسعه سریع کشورهای در حال توسعه و تمرکز روز افزون جمعیت و فعالیت در برخی از مناطق این کشورها توازن و تعادل را بر هم زده و سبب ایجاد دوگانگی در مناطق شده و این موضوع به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی کشورهای جهان سوم در آمده است؛ لذا یکی از موانع اصلی و مهم در توسعه ملی این کشورها، بر هم خوردن تعادل و برابری منطقه‌ای است. به همین دلیل انتخاب شاخص مناسب توسعه منطقه‌ای و روش مناسب سنجش توسعه و نابرابری منطقه‌ای، دولت‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را قادر می‌سازد تا مناطق محروم و فقیر را شناسایی کنند و برنامه‌های ویژه‌ای برای کاهش شکاف بین مناطق و توجه به مناطق عقب‌مانده در نظر بگیرند.

یکی از اقدامات مالی که امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه به منظور ارتقای سطح کارایی، تخصیص منابع و افزایش توسعه منطقه‌ای مورد توجه قرار داده‌اند، تجدید نظر در ساختار تشکیلات و نهادهای دولتی و گستره اختیارات و مسئولیت‌های آنها است. از سوی دیگر عملکرد دولت‌های متمرکز سبب شده که این دولت‌ها در حیات بلندمدت خود نتوانند، به حل پایدار مسائل توسعه همچون فقر، بیکاری، رشد نازل اقتصادی، مشارکت پایین مردم، راکد ماندن بسیاری از ظرفیت‌ها، اتلاف منابع و غیره پردازند.

دلیل این ناتوانی را باید در تمرکز محوری مداری و سازمانی، آن هم بدون تناسب زمانی و مکانی جستجو کرد. این تمرکزگرایی نامناسب، در ذات خود دیوان‌سالاری گسترده، غیر اثربخش و غیر کارآمد، همراه با دستورات اداری و تحکمی از بالا به پایین را در پی داشته است. سؤالی که این مقاله به دنبال یافتن پاسخ آن است عبارت است از: آیا تمرکززدایی مالی سبب ارتقای سرمایه انسانی می‌شود؟ متغیرهای این پژوهش عبارت است از بودجه متوازن، مخارج عمومی دولت، نرخ رشد اقتصادی، تمام جمعیت فقیر و هم‌چنین HDI.

باتوجه به سؤال پژوهش که به آن اشاره شد، اهداف ویژه این پژوهش عبارت است از:

۱. اثبات تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها
۲. اثبات تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی
۳. اثبات تأثیرات تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی بر تمام جمعیت فقیر
۴. اثبات تأثیرات مخارج عمومی، تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی و تمام جمعیت فقیر بر

شاخص توسعه انسانی

از دیدگاه نظری، این مطالعه تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی، رشد اقتصادی، کاهش میزان فقر و همچنین توسعه انسانی را توصیف می‌کند. نظریه‌های توسعه‌یافته این مطالعه انحراف از نظریه تمرکززدایی (مالی) است که شامل مفهوم و تعریف تمرکززدایی، هدف تمرکززدایی مالی، ابزارهای تمرکززدایی، انتقال بین‌دولتی، تمرکززدایی مالی و کارکردهای دولت محلی، رابطه نظری بین تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی، الگوی رشد اقتصادی با در نظر گرفتن دولت‌های مرکزی و محلی، رشد اقتصادی در الگوی توسعه انسانی.

ادبیات موضوع

به‌طور کلی تمرکززدایی، فرایند انتقال قدرت در تصمیم‌گیری به دولت‌های محلی تعریف می‌شود.^۱ تمرکززدایی در مطالعات مختلف به ابعاد گوناگونی تقسیم شده است.^۲

اول: تمرکززدایی جغرافیایی که به معنی تقسیم یک منطقه به مناطق کوچکتر است با اختیارات مشخص در این مناطق

دوم: تمرکززدایی عملکردی که به معنی توزیع اختیارات و مسئولیت‌های دولتی به واحدهای عملکردی گوناگون در یک اداره است.

سوم: تمرکززدایی سیاسی و اداری: تمرکززدایی سیاسی مربوط به تغییر قدرت تصمیم‌گیری از سطوح بالاتر به سطوح پایین‌تر دولت است. در این زمینه، مشارکت جوامع محلی در فرایندهای تصمیم‌گیری فرصت بسیار گسترده‌ای به‌دست می‌آورد. در حالی که تمرکززدایی اداری ارتباط نزدیکی با تمرکززدایی سیاسی دارد، هر دو از نظر واقعی قابل تشخیص نیست^۳، اما بیشتر بر عملیاتی کردن یا اجرای سیاست یا تصمیم عمومی به‌منظور موفقیت بهینه تمرکز دارد.

چهارم: تمرکززدایی مالی که مربوط به انتقال مسئولیت مخارج و درآمدهای دولت مرکزی به دولت‌های محلی است.

یکی از مؤلفه‌های کلیدی و اصلی در سیاست تمرکززدایی، تمرکززدایی مالی است. از طریق تمرکززدایی مالی، اختیار مدیریت مالی بیشتر می‌شود. تمرکززدایی مالی عبارت است از تفویض

1. Bird and Vaillancourt (1998), Martinez-Vasquez and McNab (2003), McNab (2003)

2. Campo and Sundaram (2002); Sidik (2002); Martinez-Vasquez and McNab (1997)

3. Mankiw (2003)

اختیار به مناطق برای اکتشاف و استفاده از منابع خود برابر با توان درآمد منطقه‌ای. افزون بر این، بسیاری از کارشناسان بر نیاز به تمرکززدایی مالی برای بهبود کارایی اقتصادی، کارایی هزینه، بهبود پاسخگویی و افزایش تجهیز وجوه تأکید کرده‌اند.^۱

اجرای عدم تمرکز مالی و خودمختاری منطقه‌ای، به دولت‌های محلی برای مدیریت و سازماندهی منابع برابر با منافع جامعه محلی اختیارات گسترده و ملموسی خواهد داد. در چنین شرایطی مقامات دولتی محلی اولویت‌های توسعه را برابر با توان و منابعی که در اختیار دارد تعیین می‌کنند.^۲

مأموریت اصلی سیاست تمرکززدایی مالی، بهبود کمی و کیفی خدمات عمومی و رفاه مردم، ایجاد اثربخشی و کارایی حوزه‌های مدیریت منابع و ایجاد فضایی برای مشارکت مردم در فرایند توسعه است.^۳ یکی دیگر از دلایل تمرکززدایی مالی به دلیل فوریت ارائه خدمات دولتی کارآمدتر است.

تمرکززدایی مالی یا تمرکززدایی در حوزه اقتصادی عبارت است از تفویض برخی اختیارات دولتی به دولت‌های محلی برای اجرای کارکردهای تخصیص، توزیع و تثبیت، با هدف تنظیم و مدیریت اقتصاد منطقه به منظور ایجاد ثبات در اقتصاد ملی.^۴ برای رفتن به سمت نظام دولتی مؤثرتر و کارآمدتر، لازم است بسیاری از اختیارات و مسئولیت‌های دولت مرکزی برای اجرای سه هدف فوق به دولت‌های محلی واگذار شود و هم‌چنان مسئولیت کنترل این سه وظیفه و همچنین متغیرهای کلان اقتصادی با دولت مرکزی باشد.

به طور کلی، هدف نهایی سیاست عدم تمرکز مالی، دستیابی به رفاه مطلوب جامعه است. این امر در صورتی محقق می‌شود که مدیریت توسعه منطقه‌ای تنها بر عهده دولت مرکزی نباشد؛ زیرا دولت‌های محلی اطلاعات بهتری در مورد امکانات و مشکلات منطقه خود دارند؛ بنابراین اگر برخی مسئولیت‌های مدیریتی ساخت و ساز متناسب با اختیارات قانونی آن به مقامات دولتی محلی واگذار شود، رفاه جامعه در منطقه با سرعت بیشتری محقق می‌شود.

1. Bird and Vaillancourt, 2000

2. BPS, 2005

3. Mardiasmo, 2001

4. Sugiyono, 2003

تمرکززدایی در ایران

در ایران مدیریت سیاسی - اداری حاکم بر نواحی و مناطق گوناگون به منظور اداره بهینه کشور همواره مد نظر قرار گرفته است. نظام حکومتی که هخامنشیان به وجود آوردند، نخستین حکومت فدراتیو در تاریخ بشر شمرده می‌شود. در واقع پارس‌ها نوعی دولت آزادمنش با نوعی مدیریت مبتنی بر اصول تمرکز و عدم تمرکز شکل دادند. پس از آن سلوکیان نیز از این شیوه برای اداره قلمرو خود استفاده کردند. حکومت اشکانیان به این سبب که روش حکومت قدیمی را برپا داشتند، به ملوک‌الطوایفی شبیه بود. ساسانیان سنت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی دوره هخامنشیان را احیا کردند. روزگار انوشیروان اوج نظم و انضباط حکومت ساسانیان بود. پس از اسلام دوره جدیدی آغاز شد که باید آن را از عصر پیدایش حکومت‌های محلی در منتهی‌الیه شرقی دولت اسلامی دانست. این تغییر و تحولات در تقسیمات کشور ایران تا زمان صفویه ادامه یافت. در نظام فدراتیو صفوی میزان خودمختاری ایالات و بیگلربیگی‌ها با هم تفاوت داشت و این نظام حکومتی در دوران قاجار به سرایشی افتاد و به انقلاب مشروطه و تدوین قانون اساسی در سال ۱۲۸۵ و تأسیس مجلس شورای ملی و تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی و واگذاری اختیار به انجمن‌ها منجر شد. اداره امور عمومی مناطق کشور در آن دوره به روش گریز از مرکز انجام می‌شد که با مفهوم عدم تمرکز در دولت یک‌پارچه تفاوت ماهوی داشت. سرانجام هم به دلیل همان حرکت‌های گریز از مرکز، قوانین مصوب سال‌های اولیه به فراموشی سپرده شد. نظام حکومتی در دهه چهارم قرن بیستم منحل و جای خود را به نظام حکومتی متمرکز داد. در دوره پهلوی دوم از برنامه عمرانی سوم تا برنامه عمرانی پنجم به شکلی از تمرکززدایی و تغییر نظام اداری اشاره می‌شود که شامل چگونگی تصمیم‌گیری اجرا و نظارت و شرکت عموم در برنامه‌ریزی و واگذاری اختیارات اجرایی به مناطق می‌شود. بعد از انقلاب با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران افزون بر اینکه در قانون اساسی بر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خویش و توزیع عادلانه فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق کشور تأکید می‌شود، در اصل یکصدم نیز تشکیل شوراهای اسلامی مورد توجه واقع می‌شود، مضاف بر اینکه در برنامه اول تا برنامه چهارم توسعه به تمرکززدایی و واگذاری امور به مردم و آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای پرداخته شده است. به‌رغم تمام موارد بیان‌شده، نظام تقسیمات کشوری ایران که از سال ۱۳۱۶ با حاکمیت تمرکزگرایانه بر سرنوشت کشور تدوین شده است، تاکنون

تغییر ماهوی متناسب با تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به خود ندیده و سیاست‌های تمرکززدایی تحقق عینی و عملی نیافته است. آنچه تاکنون مورد غفلت واقع شده است واگذاری اختیارات به صورت کیفی و توجه به رابطه معنادار تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران است.^۱

پیشینه پژوهش الف) پژوهش‌های داخلی

جدول ۱. پژوهش‌های داخلی

ردیف	پژوهشگر	دوره	عنوان پژوهش	روش	نتایج پژوهش
۱	محمد غفاری فرد و همکاران (۱۳۹۱)	۱۳۸۶ - ۱۳۷۹	مدلسازی آثار اقتصادی تمرکززدایی مالی در مناطق مختلف ایران در راستای توسعه عدالت محور	حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)	تمرکززدایی مالی با سه شاخص تعریف شده (تمرکززدایی درآمدی، تمرکززدایی از مخارج عمرانی ملی و تمرکززدایی از مخارج عمرانی تخصیصی به استان) بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان‌ها تأثیر مثبت داشته است، به طوری که یک درصد افزایش در تمرکززدایی مالی، نرخ رشد اقتصادی استان‌ها را تا سطح ۰/۶ درصد افزایش می‌دهد. هم‌چنین تمرکززدایی مالی از طریق تأثیر مثبت بر بهبود توزیع درآمد در استان‌ها به طور غیرمستقیم رشد اقتصادی مناطق را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۲	سامتی و همکاران (۱۳۹۱)	۱۳۸۰ - ۱۳۸۶	تحلیل اثرات تمرکززدایی مالی بر ارتباط متقابل رشد و توزیع عادلانه منابع مالی در استان‌های ایران	سامانه معادلات هم‌زمان	وجود رابطه غیرخطی بین تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی و هم‌چنین بین تمرکززدایی مالی و توزیع عادلانه منابع مالی. بین دو سطح مشخص از تمرکززدایی، دو متغیر رشد و توزیع عادلانه خلاف جهت هم و در خارج از این دو سطح، در راستای هم حرکت می‌کنند. هم‌چنین بین رشد و توزیع عادلانه منابع مالی تقابل وجود دارد.
۳	صادقی شاهدانی و همکاران (۱۳۹۳)	۱۳۸۶ - ۱۳۷۹	اثر تمرکززدایی مالی، توزیع درآمد و رشد اقتصادی در ایران	حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات تعمیم- یافته براوردی (EGLS)	یک درصد افزایش در تمرکززدایی مالی، به کاهش ضریب جینی در طول زمان منجر می‌شود و به طور غیرمستقیم رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد.

ادامه جدول ۱. پژوهش‌های داخلی

ردیف	پژوهشگر	دوره	عنوان پژوهش	روش	نتایج پژوهش
۴	خدیدجه جوکار و همکاران (۱۳۹۴)	۱۳۸۹ - ۱۳۷۹	بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر فقر و توزیع درآمد در	به‌روزرسانی مکرر و کاملاً تعدیل- شده (CUP)	تمرکززدایی درآمدی در درازمدت سبب کاهش فقر در ایران می‌شود. تمرکززدایی مخارج سبب افزایش فقر در ایران می‌شود. همین‌طور تمرکززدایی مالی از جنبه درآمدی تأثیر

۱. اطاعت و موسوی (۱۳۸۹)

		ایران	(FM)	منفی بر نابرابری درآمد دارد و در درازمدت سبب کاهش نابرابری درآمد در ایران می‌شود، اما از بعد مخارج تأثیر تمرکززدایی مالی بر نابرابری درآمد مثبت و در درازمدت سبب بدتر شدن توزیع درآمد در ایران می‌شود.
۵	ابوالقاسم گل‌خندان و همکاران (۱۳۹۶)	سنجش تأثیر غیرخطی تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت در استان‌های ایران	رهیافت cup-fm	تأثیر شاخص‌های تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت استانی به شکل منحنی U معکوس است؛ به‌گونه‌ای که بیشتر استان‌های کشور در قسمت صعودی این منحنی قرار دارد. همچنین، نتایج برآورد پارامترهای متغیرهای کنترل نشان‌دهنده تأثیرپذیری مثبت و معنادار اندازه دولت استانی از تولید ناخالص داخلی سرانه، تجارت و جمعیت است.
۶	علی حسونند و همکاران (۱۳۹۷)	تحلیل و بررسی تمرکززدایی مالی بر کارایی و بهبود عملکرد بخش سلامت و درمان در ایران	الگوی خود رگرسیون برداری پانل	نتایج بررسی توابع واکنش آنی نشان‌دهنده تأثیر مثبت شوک‌های تمرکززدایی درآمد بر میزان شاخص بخش سلامت و بهداشت است. سرانجام نتیجه‌گیری می‌شود با تمرکززدایی مالی و توزیع مناسب بودجه دولت مرکزی ایران در استان‌های کشور، می‌توان از راه افزایش هزینه‌های بهداشتی استانی و همچنین بهبود شاخص‌های بهداشت و سلامت، شاهد رشد سطح سلامت عمومی در تمام کشور بود.

منبع: یافته‌های پژوهش

ب) پژوهش‌های خارجی

جدول ۲. پژوهش‌های خارجی

ردیف	پژوهشگران	دوره	عنوان پژوهش	روش	نتایج پژوهش
۱	لسمان (۲۰۱۱)	۱۹۸۰ - ۲۰۰۹	۵۶ کشور در مراحل مختلف توسعه	2SLS و OLS	تمرکززدایی، نابرابری‌های منطقه‌ای را به‌طور کلی کاهش می‌دهد. افزون بر این، نتایج الگوهای تأثیر متقابل نشان می‌دهد که تمرکززدایی، نابرابری‌های منطقه‌ای را در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌دهد، در حالی که تمرکززدایی به کاهش نابرابری در کشورهای توسعه‌یافته منجر می‌شود.
۲	ساجی و سالوتی (۲۰۱۳)	۱۹۷۱ - ۲۰۰۰	۲۳ کشور OECD	حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات دو مرحله ای (2SLS)	یک‌درجه افزایش تمرکززدایی مالیاتی سبب افزایش نابرابری درآمدی خانوار در کشور می‌شود.

ادامه جدول ۲. پژوهش‌های خارجی

ردیف	پژوهشگران	دوره	عنوان پژوهش	روش	نتایج پژوهش
۳	سونگ (۲۰۱۳)	۱۹۷۸-۲۰۰۷	چین	OLS	تمرکززدایی مالی در طرف مخارج و درآمد به افزایش نابرابری درآمد کمک کرده است و قدرت استقلال تأثیرات متفاوتی بر نابرابری‌های درآمد منطقه‌ای داشته

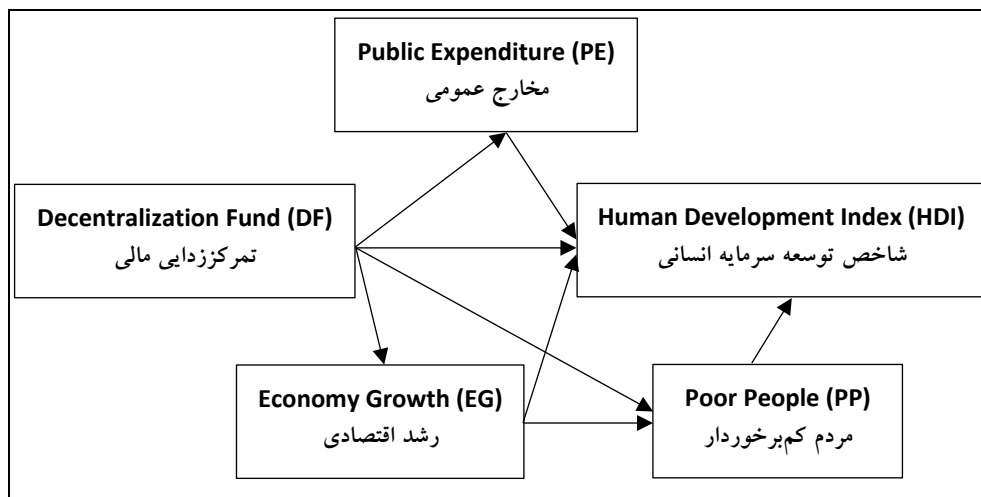
است.					
تمرکززدایی از مخارج دولت می‌تواند به دستیابی به توزیع برابرتر درآمد کمک کند.	آزمون علیت گرنجر	یک نمونه به عنوان نماینده در بین کشورهای جهان	۱۹۸۰-۲۰۱۰	گویرال و سیفرلینگ (۲۰۱۴)	۴
فرایند تمرکز مالی، همراه با بهبود کیفیت دولت، می‌تواند راهبرد مؤثری برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای باشد.	حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS)	۲۳ سازمان همکاری اقتصادی و کشورهای توسعه (OECD)	۱۹۸۴-۲۰۰۵	کریاکو و همکاران (۲۰۱۶)	۵
تمرکززدایی درآمد و هزینه‌های دولت‌های محلی بر روی نابرابری منطقه‌ای با یکدیگر متفاوت است. نسبت استقلال مالی و شاخص‌های وابستگی مالی به خود، آنهایی که در رابطه با تمرکززدایی مدیریت درآمد دولت هستند، همبستگی معنی‌داری از نظر آماری با نابرابری منطقه‌ای دارد.	رگرسیون چندگانه	بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر نابرابری منطقه‌ای	۲۰۰۰-۲۰۱۵	مون (۲۰۱۸)	۶

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌رغم ارزشمندبودن پژوهش‌ها، بیشتر آنها از دید متغیرهای مورد استفاده، روش و نوع کشورها، با اطلاعات کاربردی این مقاله متفاوت است. در این پژوهش تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی، مخارج عمومی، تعداد افراد کم‌برخوردار و سرانجام سرمایه انسانی بررسی شده است.

چارچوب فکری و مفهومی پژوهش

چارچوب فکری و مفهومی این مطالعه به استدلال‌های نظری و تجربی پیشین اشاره دارد که در آن سیاست تمرکززدایی مالی با توجه به قانون اساسی، اصل یکصدم تشکیل شوراهای اسلامی و برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس الگوی مفهومی پژوهش به شرح ذیل است.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش)

باتوجه به الگوی مفهومی، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل است:

۱. تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر مخارج عمومی استان‌ها دارد.
۲. تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد.
۳. تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر نرخ رشد اقتصادی دارد و به کاهش تعداد افراد فقیر در استان‌ها منجر می‌شود.
۴. تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر نرخ رشد اقتصادی، مخارج عمومی و کاهش تعداد افراد فقیر به‌سمت توسعه انسانی دارد.

الگو و روش‌های تحلیل

این مطالعه به‌منظور تعیین تأثیر تمرکززدایی مالی بر توسعه انسانی در استان‌های ایران انجام شده است که در آن از هر استان، سه شهرستان و شهر به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. داده‌های پژوهش بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران و سالنامه‌های آماری استان‌ها استخراج شده است. تحلیل الگوی پژوهش با استفاده از روش رگرسیون و نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

روش این پژوهش داده‌های تابلویی (پنل دیتا) است. در این روش داده‌ها ویژگی‌های سری زمانی و مقطعی دارد، از چند بعد تشکیل شده و چند دوره را پوشش می‌دهد. دوره زمانی پژوهش ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ است. معادلات مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش از الگوی سویانتو (۲۰۰۹)، لنگودی (۲۰۰۶) و خوسینی (۲۰۰۶) اقتباس شده است. با توجه به تعداد فرضیه‌های پژوهش چند الگوی رگرسیونی به شرح ذیل قابل تخمین است:

۱. تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها

بر اساس این الگو تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها تأثیر دارد.

$$PE = f(DF) \quad (۱)$$

$$BP = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} \quad (۲)$$

به طوری که در آن PE مخارج عمومی استان و DF شاخص تمرکززدایی مالی استان است.

۲. تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها

بر اساس این الگو تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌ها تأثیر دارد.

$$EG = f(DF) \quad (۳)$$

$$EG = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} \quad (۴)$$

به طوری که در آن EG رشد اقتصادی و DF شاخص تمرکززدایی مالی استان است.

۳. تأثیر شاخص تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی بر جمعیت مردم کمتر برخوردار

بر اساس این الگو «جمعیت مردم کمتر برخوردار»، متغیر وابسته و «شاخص تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی»، متغیرهای مستقل است.

$$PP = f(DF, EG) \quad (۵)$$

$$PP = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG \quad (۶)$$

به طوری که در آن EG رشد اقتصادی و DF شاخص تمرکززدایی مالی استان و PP جمعیت

افراد کمتر برخوردار استان است.

۴. تأثیر شاخص تمرکززدایی مالی، مخارج عمومی، رشد اقتصادی و جمعیت مردم کمتر

برخوردار بر شاخص توسعه سرمایه انسانی

بر اساس این الگو شاخص «توسعه سرمایه انسانی»، متغیر وابسته و شاخص «تمرکززدایی مالی»، «رشد اقتصادی» و «جمعیت مردم کمتر برخوردار» متغیرهای مستقل است.

$$HDI = f(DF, EG, PP, PE) \quad (۷)$$

$$HDI = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG + \beta_3 PP \quad (۸)$$

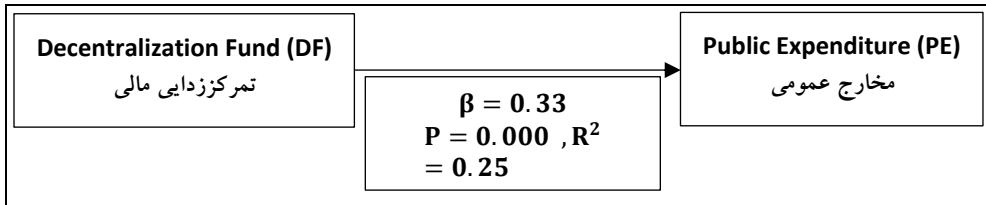
به طوری که در آن EG رشد اقتصادی و DF شاخص تمرکززدایی مالی استان و PP جمعیت افراد کمتر برخوردار استان است.

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش برای ۲۷۰ مشاهده در روش تابلویی برای هر الگو به صورت زیر است.

$PE = \beta_0 + \beta_1 DF_{it}$ $PE = 2.32 * 10^4 + 0.33 DF_{it}$ t 3.25 4.23 $R^2 = 0.25$	برای رابطه شماره (۲)
$EG = \beta_0 + \beta_1 DF_{it}$ $EG = 4.03366 * 10^3 + 8.2 * 10^{-2} DF_{it}$ t 8.3 5.03 $R^2 = 0.76$	برای رابطه شماره (۴)
$PP = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG$ $PP = 53 - 6.83 * 10^{-4} DF_{it} + 0.000828 EG$ t 8.966515 3.985565 -0.002839 $R^2 = 0.98$	برای رابطه شماره (۶)
$HDI = \beta_0 + \beta_1 DF_{it} + \beta_2 EG + \beta_3 PP + \beta_4 PE$ $HDI = 73.02 + 112 * 10^{-5} DF_{it} + 0.03 EG -$ $94 * 10^{-7} PP + 3.84 PE$ t 12.3 5.3 2.8 3.5 -4.3 $R^2 = 0.96$	برای رابطه شماره (۸)

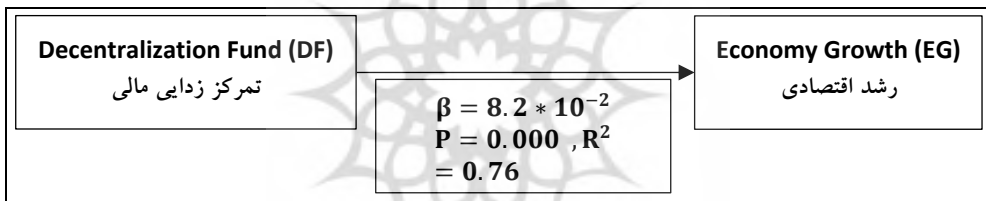
۱. تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استان‌ها



شکل ۲. تأثیر تمرکززدایی مالی بر مخارج عمومی استانها (منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس شکل، تمرکززدایی سبب افزایش مخارج عمومی استانها به نسبت درآمدهای آنها می‌شود. ضریب تعیین ۰/۲۵ درصد به این معنی است که بر روی مخارج عمومی به جز تمرکززدایی مالی، عوامل مؤثر دیگری نیز هست. با این حال وجود ضریب احتمال صفر در الگو به معنی تأیید فرضیه تأثیرگذاری تمرکززدایی مالی بر افزایش مخارج عمومی استانها می‌شود.

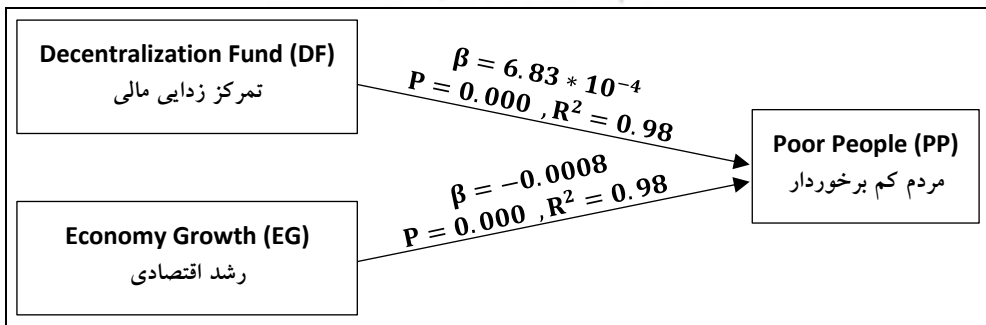
۲. تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استانها



شکل ۳. تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استانها (منبع: یافته‌های پژوهش)

نتایج ناشی از یافته‌های پژوهش در شکل ۳ نشان از تأثیر مثبت تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی دارد. ضریب تعیین ۰/۶۲ نشان از تأثیر زیاد تمرکززدایی بر رشد اقتصادی استانها دارد.

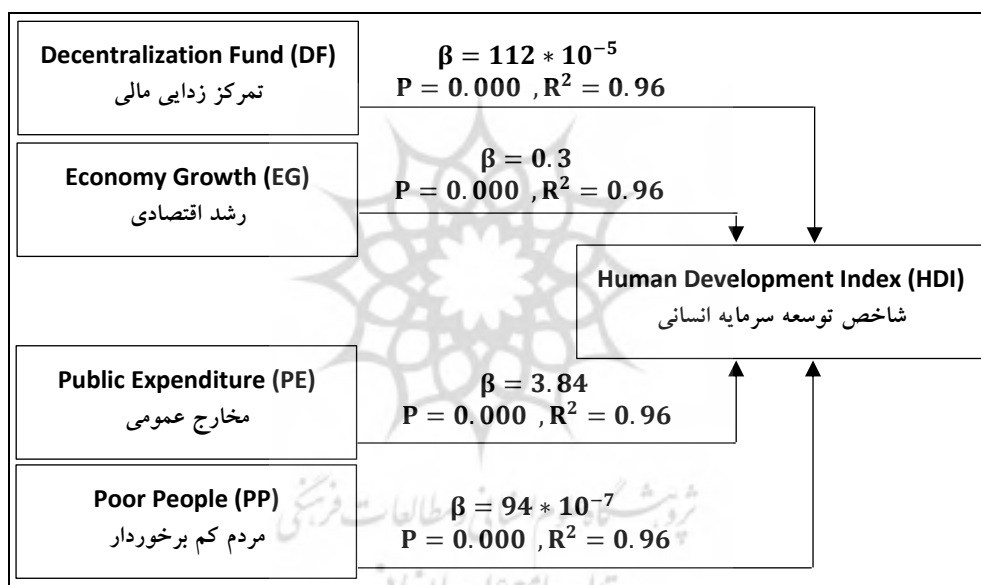
۳. تأثیر شاخص تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی بر جمعیت مردم کمتر برخوردار



شکل ۴. تأثیر تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی بر مخارج عمومی استان‌ها (منبع: یافته‌های پژوهش)

بر اساس شکل تمرکززدایی مالی سبب تأثیر محدودی بر جمعیت افراد کم‌درآمد ($6.83 * 10^{-4}$) و رشد اقتصادی سبب کاهش جمعیت افراد کم‌درآمد می‌شود. ضریب تعیین $0/98$ نشان از توضیح خوب تغییر متغیر وابسته یعنی جمعیت افراد کم‌درآمد در برابر متغیرهای مستقل دارد.

۴. تأثیر شاخص تمرکززدایی مالی، مخارج عمومی، رشد اقتصادی و جمعیت مردم کمتر برخوردار بر شاخص توسعه سرمایه انسانی



شکل ۵. تأثیر تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی، جمعیت افراد کم‌درآمد و مخارج عمومی بر HDI

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدای از نتایج نمودارها که حاکی از تأثیر کارآمد تمرکززدایی مالی بر شاخص توسعه انسانی در استان‌ها است، کاهش اوقات مدیریت بودجه منطقه‌ای مربوط به تمرکززدایی مالی تحت تأثیر عوامل بسیاری قرار دارد که دستیابی به اهداف را با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ از جمله می‌توان به عوامل نیروی انسانی در استان‌ها و مرکز، توان دیوان‌سالاری استان‌ها و ظرفیت نهادی محلی و هم‌چنین عامل دستگاه‌های قانونی اشاره کرد که کمتر با این اقدام سازگار و همراه است.

تمرکززدایی مالی ابزاری برای ارتقای دستیابی به توسعه انسانی است. از سیاست تمرکززدایی مالی دولت محلی خواسته شده است که بودجه مناسبی را در مقیاس اولویت‌ها تخصیص دهد که بتواند توسعه انسانی را ارتقا دهد. به‌طور کلی سیاست تمرکززدایی مالی که امروزه انجام می‌شود تأثیر مثبتی بر توسعه انسانی دارد، اما برای تأمین مالی هزینه‌های محلی، دولت‌های محلی به‌طور فزاینده‌ای برای تأمین مالی بودجه منطقه‌ای آن به مرکز وابسته هستند؛ بنابراین سیاست تمرکززدایی مالی باید با کوشش مدیریت غیرمتمرکز وجوه مؤثر و کارآمد هر استان دنبال شود تا انتقال وجوه تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی و کاهش فقر داشته باشد.

این مطالعه ثابت می‌کند که اجرای سیاست تمرکززدایی مالی سبب توسعه انسانی استان‌ها و شهرستان‌های ایران می‌شود. تمرکززدایی، علاوه بر رسیدگی به عدم تعادل مالی در استان‌ها، توسعه اقتصادی و انسانی منطقه‌ای را نیز ارتقا می‌دهد. این الگوی پژوهش بر اساس مفاهیم، نظریه‌ها و واقعیت‌های نتایج تجربی اجرای سیاست تمرکززدایی مالی تهیه شده است. بر اساس الگویی که ایجاد شده است، مشهود است که سیاست تمرکززدایی مالی اعمال‌شده در استان‌ها و شهرستان‌ها نیاز به نظارت و ارزیابی بیشتر به‌ویژه کوشش برای افزایش نرخ اقتصاد منطقه‌ای و هم‌چنین توسعه انسانی دارد.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی تمرکززدایی مالی، رشد اقتصادی، مخارج عمومی و کاهش جمعیت فقیر در منطقه استان‌ها، تأثیر مثبت قابل توجهی بر HDI دارد؛ بنابراین افزایش تمرکززدایی مالی از راه برگشت درآمدهای هر استان به همان استان و یا ارائه کمک‌های مالی بلاعوض به استان می‌تواند برای تأمین مالی هزینه‌های محلی، به‌ویژه مخارج عمومی مانند هزینه‌های اجتماعی و آموزش استفاده شود.

در این پژوهش به‌طور خاص، تحقق عملکرد سیاست تمرکززدایی مالی در ارتقای توسعه انسانی به‌عنوان نمای کلی اقتصادی استان‌ها و شهرستان‌های ایران بر اساس بررسی نظری و تجربی ارزیابی شد که می‌توان نتایج آن را به‌شرح زیر بیان کرد:

۱. ثابت شد که افزایش تمرکززدایی مالی و برگشت درآمدهای هر استان به همان استان و حتی کمک‌های بلاعوض دولت مرکزی، تأثیر مثبت قابل توجهی بر میزان مخارج عمومی استان‌ها دارد؛ سپس افزایش مخارج عمومی سبب شده است که استان‌ها ظرفیت مالی خود را افزایش دهند.
۲. افزایش وجوه تمرکززدایی مالی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته است، اما نه به‌طور قابل توجهی. فرض بر این است که شاید دلیل این افزایش بودجه عدم تمرکز در استان‌ها همچنان به‌طور گسترده‌تری برای هزینه‌های کارکنان، سفرهای تجاری و همچنین نیازهای دیگر ادارات دولتی استفاده می‌شود.
۳. هر چقدر جمعیت افراد کم‌درآمد در استان‌ها بیشتر باشد، باید توسط دولت مرکزی تمرکززدایی مالی بیشتری انجام شود.
۴. افزایش رشد اقتصادی استان‌ها تأثیر قابل توجهی بر کاهش جمعیت فقیر ندارد؛ بنابراین افزایش بودجه تمرکززدایی به کاهش قابل توجه جمعیت فقیر منجر نمی‌شود.
۵. ثابت شد که وجوه غیر متمرکز که از دولت مرکزی به استان‌ها منتقل می‌شود، تأثیر مثبت قابل توجهی بر HDI دارد.
۶. رشد اقتصادی تأثیر مثبت قابل توجهی بر توسعه انسانی دارد؛ بنابراین افزایش نرخ رشد اقتصادی در استان‌ها، شاخص HDI را در مناطق مورد نظر افزایش خواهد داد.
۷. مخارج عمومی استان‌ها تأثیر مثبت قابل توجهی بر توسعه انسانی دارد. به‌نظر می‌رسد افزایش هزینه‌های عمومی استان‌ها سبب بهبود هزینه‌های اجتماعی عمومی در آموزش و سلامت است.
۸. کاهش جمعیت فقیر در استان‌ها تأثیر مثبت قابل توجهی بر توسعه انسانی دارد، به‌طوری که افزایش HDI در یک منطقه با کاهش کل جمعیت فقیر در استان‌ها همراه خواهد بود.
۹. به‌طور کلی، سیاست‌های تمرکززدایی مالی تأثیرات مثبتی بر توسعه انسانی هر استان و هر شهرستان دارد؛ بنابراین افزایش تمرکززدایی بودجه دولت مرکزی سبب افزایش HDI در استان‌ها می‌شود.

فهرست منابع

- احمدی، علی محمد و مهرگان، نادر (۱۳۸۴). تأثیر سیاست‌های تعدیل بر توزیع درآمد در ایران، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۷۰: ۲۳۲ - ۲۰۹.
- اطاعت، جواد و موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۹). تمرکززدایی و توسعه پایدار در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ش ۷۱: ۱۰۶ - ۸۹.
- افشاری، زهرا (۱۳۷۸). بررسی همگرایی استان‌های ایران (آزمون نظریه سولو و سوان)، *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۳: ۱۴ - ۱.
- اکبری، نعمت‌الله و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۳). بررسی همگرایی درآمد سرانه بین استان‌های ایران (یک رهیافت اقتصادسنجی فضایی)، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۱۳: ۱۲ - ۱.
- آذر، عادل و غلامرضایی، داوود (۱۳۸۵). رتبه‌بندی استان‌های کشور با رویکرد تحلیل پوشش داده‌ها (با به‌کارگیری شاخص‌های توسعه انسانی)، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۸(۲۷): ۱۷۳ - ۱۵۳.
- آذربایجانی، کریم (۱۳۸۱). جهانی‌شدن، همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر روی رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری قفقاز، *مجلات تحقیقات اقتصادی*، ۶۱: ۱۶۹ - ۱۴۹.
- براتی، جواد و کریمی موغاری، زهرا (۱۳۹۵). تعیین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیبی چند بُعدی، *فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی*، ۲۶: ۷۰ - ۴۹.
- تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا و شیخ‌بیگللو، رعنا (۱۳۹۰). تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۷۸: ۱۶۸ - ۱۵۳.
- حسنوند، علی؛ فلاحتی، علی و سهیلی، کیومرث (۱۳۹۷). تحلیل و بررسی تمرکززدایی مالی بر کارایی و بهبود عملکرد بخش سلامت و درمان در ایران.
- حیاتی دهقی، سامان؛ آزاد خانزادی و نجفی، سید محمدباقر (۱۳۹۴). بررسی نقش و تأثیرات تمرکززدایی مالی دولت بر توسعه اقتصادی استان‌های ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
- رحمانی، تیمور (۱۳۸۲). رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۶: ۱۸۰ - ۱۵۵.
- رحمانی، تیمور و عسگری، حشمت‌الله (۱۳۸۴). بررسی نقش سیاست‌های دولت در همگرایی منطقه‌ای در استان‌های ایران با به‌کارگیری روند سپرده‌های دیداری، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۶۹: ۱۵۴ - ۱۲۹.

- سامتی، مرتضی؛ فرهنگ، شکوفه و موسوی، مریم السادات (۱۳۹۱). تحلیل اثرات تمرکززدایی مالی بر ارتباط متقابل رشد و توزیع عادلانه منابع مالی در استان‌های ایران (۱۳۸۶ - ۱۳۸۰)، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)**، ۱۴ (۳): ۲۲ - ۱.
- سلامی، فریبا؛ فقه مجیدی، علی و محمدی، احمد (۱۳۹۵). بررسی همگرایی درآمدی بین استان‌های ایران با تأکید بر روش تحلیل خوشه‌ای، **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، ۸۰: ۱۹۴ - ۱۶۷.
- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۸۱). مطالعه روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره ۱۳۷۷ - ۱۳۷۵، **مجله تحقیقات اقتصادی**، ۶۱: ۱۰۵ - ۷۷.
- سیاره، مرتضی (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل نابرابری‌های اشتغال و رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس مؤلفه‌های کار شایسته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه اقتصاد، گرایش توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی.
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ کمیجانی، اکبر؛ زاهدی وفا، محمدهادی و غفاری‌فرد، محمد (۱۳۹۱). بررسی تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد و توزیع درآمد در مناطق مختلف ایران، **پژوهشنامه اقتصادی**، ۱۲ (۴۷): ۱۲۲ - ۹۷.
- عباسی، ابراهیم؛ رستگاریان، فاطمه و حسینی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت و رشد اقتصادی استان‌ها، **فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه**، ۲۰ (۲): ۱۹ - ۳.
- عباسیان، عزت‌الله و دلیری، حسن (۱۳۹۱). تخمین و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، ۴۵: ۳۶۷ - ۳۳۹.
- عبدالله‌زاده، غلامحسین و شریف‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۹۱). سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی)، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، ۴: ۶۲ - ۴۱.
- علمی، زهرا و رنجبر، امید (۱۳۹۲). آزمون همگرایی باشگاهی بین استان‌های ایران: یافته‌های جدید با استفاده از تحلیل ناپارامتریک اقتصادی، ۱: ۲۱۰ - ۱۸۹.
- علی‌اکبری سلامی، فهیمه؛ راغفر، حسین و صفرزاده، اسماعیل (۱۳۹۷). اندازه‌گیری نابرابری چند بُعدی، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، ش ۱: ۱۵۴ - ۱۲۷.
- غفاری‌فرد، محمد (۱۳۹۱). مدل‌سازی آثار اقتصادی تمرکززدایی مالی در مناطق مختلف ایران در راستای توسعه عدالت‌محور، رساله دکتری در رشته علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- غفاری‌فرد، محمد و صادقی‌شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی استان‌های مختلف ایران، **فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه**، ۱۷ (۴): ۲۴ - ۳.

- غلامی حیدریانی، لیلا؛ متفکرآزاد، محمدعلی؛ رنجپور، رضا و کریمی، زهرا (۱۳۹۴). بررسی همگرایی اقتصادی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۷ - ۱۳۷۹ با استفاده از آزمون‌های ریشه واحد پانل، پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۷: ۲۷ - ۱۹.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۰). تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۱۳: ۱۶۹ - ۱۳۷.
- کلانتری، خلیل (۱۳۷۵). شناسایی مناطق عقب‌مانده در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۴۸: ۱۳۱ - ۱۲۰.
- گل‌خندان، ابوالقاسم و محمدیان منصور، صاحبه (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در حال توسعه: رهیافت دو مرحله‌ای SGM، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱۳: ۱۴۲ - ۱۱۵.
- گل‌خندان، ابوالقاسم؛ بابائی آغ اسماعیلی، مجید و محسنی‌نیا، رقیه (۱۳۹۶). سنجش تأثیر غیرخطی تمرکززدایی مالی بر اندازه دولت در استان‌های ایران (رهیافت cup-fm). فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۵ (۸۲): ۱۳۷ - ۱۱۱.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور و سالنامه آماری استان‌ها.
- ویسی، اکبر؛ حسین‌زاده دلیر، کریم و عزت‌پناه، بختیار (۱۳۹۳). بررسی تحلیل نابرابری‌های توسعه در سازمان فضایی استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۶: ۸۲ - ۶۷.

Badan Pusat Statistik (BPS). (2005), Macro Indicator Analysis in East Java Province. Suarabaya: Center of Statistic.

BAPPENAS dan UNDP. (2004), Human Development Report. Economic from Democracy. Jakarta: Indonesian Human Development Cost.

Bird M, Richard and Vaillancourt, 1998. Fiscal Decentralization in Development Countries. Jakarta: Gramedia.

Bird, M.R., Vaillancourt, F. (2000), Fiscal Decentralization in Development Countries. Jakarta: Gramedia Pustaka Utama.

Campo, S.S., Sundaram, P. (2002), To Serve and to Preserve: Improving Public Administration in a Competitive World. Manila: Sean Development Bank.

Khusaini, M. (2006), Decentralization Finance Studies. Influences toward Public Economic, Growth and welfare society. Studies in East Java Province. Disertationi Brawijaya University (not published).

Langoday, O.T, (2006), Influence of Decentralization and Fiscal Equality and Tax in Nusa Tenggara Timur Province. Disertation Brawijaya University (Not published).

Mankiw, N. G. (2003), Macroeconomics. 4th ed. New York: Worth Publisher.

Mardiasmo. (2001), Budgeting Management Structure in Decentralization Era. Workshop Paper SIAGA Project. Yogyakarta: STIE.

Mardiasmo. (2002), Management and Otonomies Financial. Yogyakarta: Andi.

Martinez-Vasquez, J and R. McNab. 2001. Fiscal Decentralization and Economic Growth. International Studies Programme. Georgia State University. Working Paper # 01-1

Martinez-Vasquez, J., Boex, J. (2001), Russia's Transition to a New Federalism, Report No. 22026.

Martinez-Vasquez, J., McNab, R. (1997), Fiscal Decentralization, Economic Growth, and Democratic.

Sidik, Muhammad. 2002, Balancing of Finance Central and Region for Fiscal Decentralization. Theory and Applied. Seminar paper in Gajahmada University. Yogyakarta: Local Politic Programme Study Postgraduet Gajahmada University.

Sugiyono. (2003), Handbook for Administration Metodology Reseach. Bandung: Alfabeta.

Suyanto. (2009), Region Outonom, Riil and responsibility. Jakarta: Ghalia.

Wahyu, W.W. (2007). Econometrica and Statistica Analysis with Eviews. Yogyakarta: Andy Publisher.

World Bank Institute. (2001). Learning Resource Series. Washington, DC: World Bank Institute.



Financial decentralization and promotion of human resource

By:

Ali Younessi¹

Mohammad Reza Godarzi²

Abstract

In the literature of macroeconomics, the promotion of human resource is so important that if economic growth occurs and this growth cannot improve the condition of human resource, it seems that the efforts have been fruitless. Human resource is measured through the HDI index, and due to the need to improve it, many studies have been conducted in this field. Human resource in any country is based on the state of human resource in the provinces of the country. Providing better services to human resource will improve this huge resource, and achieving it requires the existence of sufficient funds and powers in the provinces. The vastness of the country may not allow the government to optimally allocate resources, so usually local authorities try to have more powers for the growth of human resource through various pursuits and bargaining. Financial decentralization is a multi-dimensional process in which some powers are transferred from the central government to the governors, and the most important of which is the return of all revenues of each province to the same province and the sending of grants to the provinces through the central government. This study was conducted to determine the effect of financial decentralization on human development in the provinces of Iran, in which three cities and towns were selected as samples from each province. The technique used in this research is panel data. In this method, the data have time series and cross-sectional characteristics, consist of several dimensions and cover several periods. The research period is 1397 to 1400. The equations related to the independent and dependent variables of this research are adapted from the research model of Suyanto (2009), Langoday (2006) and Khusaini (2006). The results of the research show that the increase in financial decentralization and the return of revenues from each province to the same province and even grants from the central government have a significant positive effect on the amount of public spending, economic growth, reducing the population of low-income people and finally improving the human development index of the province.

Keywords: financial decentralization, economic growth, HDI index.

1. member of the academic staff, Arak, Iran.

2. Governorate, Arak, Tehran.

a_younessi@pnu.ac.ir
godarzi@gmail.com